رخداد

اعدام عامل انفجار در زندان ایلام

■ **ایسنا:** قاتل فراری که دیوار زندان ایلام را منفجر کرده بود، به‌دار آویخته شد. این قاتل دو سال قبل پس از منفجرکردن دیوار زندان مرکزی ایلام فرار کرد اما دستگیر شد. این فرد صبح دیروز در محل زندان مرکزی ایلام به‌دار آویخته شد.

دستگیری سارقان نقاب‌دار

■ **شرق:** اعضای باند سارقان نقاب‌دار که با تهدید اسلحه سرد اقدام به سرقت از مغازه‌ها می‌کردند، به دام افتادند. سرهنگ حسن مرادی «رییس پلیس پیشگیری فرماندهی انتظامی استان البرز» با اعلام این خبر گفت: در پی وصول اخباری مبنی بر سرقت از مغازه‌های منطقه کیانمهر و مهرشهر در بررسی‌های ابتدایی مشخص شد چند نفر سارق با استفاده از پوشش نقاب و سلاح سرد، در ساعات ۲۰ تا ۲۲ با ورود به مغازه‌ها و تهدید و ارعاب، اقدام به سرقت وجوه نقد و اجناس سبک از جمله شارژ ایرانسل و زعفران می‌کنند. وی ادامه داد: با تشکیل پنج تیم ویژه، شناسایی سارقان در دستور کار ماموران قرار گرفت و با توجه به اقدامات اطلاعاتی و کنترل نامحسوس منطقه، ماموران به دو دستگاه موتوسیکلت که به صورت غیرعادی در حال بررسی و کنترل مغازه‌ها بودند، مشکوک شدند و با انجام تعقیب و گریز، سه نفر از متهمان را دستگیر کردند ولی یک نفر با استفاده از تاریکی هوا متواری شد. سرهنگ مرادی تصریح کرد: در تحقیقات به‌عمل‌آمده هر سه متهم به سرقت‌های متعدد خود اعتراف و عنوان کردند با تشکیل باند چهارنفره با استفاده از موتوسیکلت در نقاط مختلف شهر اقدام به سرقت می‌کردند. در ادامه نفر چهارم این باند نیز دستگیر شد. رییس‌پلیس پیشگیری فرماندهی انتظامی استان البرز اظهارداشت: هشت نفر از مالباختگان احضار و در مواجهه حضوری موفق به شناسایی سارقان شدند و متهمان دستگیرشده نیز به هر هشت فقره سرقت اعتراف کردند.

قاچاق اشیای عتیقه هزاره اول قبل از میلاد

■ **مهر:** شک ماموران به پسر ساک به دست، راز معامله بزرگ ۱۱۲ قطعه اشیای عتیقه باارزش را فاش کرد. ماموران پلیس رودبار هفته گذشته به پسر جوانی که با دو ساک در حال عبور از حاشیه جاده بود، مشکوک شدند. پسر جوان وقتی متوجه شک ماموران شد، قصد داشت از محل فرار کند که با واکنش سریع ماموران ناکام ماند. ماموران سپس به بازرسی ساک پرداختند و تعدادی اشیای عتیقه از داخل آن کشف کردند. در ادامه متهم به اداره آگاهی منتقل شد و در بازجویی‌ها گفت: چند روز قبل در حال حفر چاهی در زمین کشاورزی خود در منجیل بودم که این اشیای عتیقه را پیدا کردم. پس از جست‌وجوی بسیار یک خریدار را در شهرستان رودبار پیدا کردم و قرار بود امروز اشیای عتیقه را به او بفروشم. در میان راه متوجه ایست و بازرسی ماموران شدم و برای اینکه ماموران شک نکنند، از ماشین پیدا شدم. در حال گذر از کنار ماموران بودم که آنها مشکوک شدند و دستگیرم کردند. سرهنگ عبادالله کریمی- رییس‌پلیس آگاهی گیلان- در این‌باره گفت: در بازرسی از متهم ۱۱۲ قطعه اشیای عتیقه مانند النگو، سکه، نگین انگشتر، گوشواره و سکه‌های دوره ساسانیان کشف شد که کارشناسان میراث فرهنگی پس از بررسی آنها اعلام کردند اشیا متعلق به دوره هزاره قبل از میلاد و پس از آن است. وی افزود: هم‌اکنون تحقیقات از متهم برای شناسایی خریدار اشیا و محل کشف آنها در اداره آگاهی ادامه دارد.

دوربین بانک، سارق کارت عابربانک را رسوا کرد

■ **پلیس‌خبر:** سارق کارت عابربانک و وجوه نقد شهروند کرمانشاهی با بازبینی فیلم دوربین مداربسته بانک، شناسایی و دستگیر شد. با ارجاع یک فقره پرونده مبنی بر سرقت کارت عابربانک به پلیس آگاهی، پیگیری موضوع به کارآگاهان اداره مبارزه با سرقت محول شد. تحقیقات به‌عمل‌آمده از شاکی پرونده حاکی از آن بود پس از سرقت کارت عابربانک، مبلغ هشت میلیون و ۳۰۰هزار ریال وجه نیز توسط سارق از حساب وی برداشت شده است. سرانجام با همکاری بانک مربوطه و بازبینی فیلم دوربین مداربسته بانک، متهم که زنی میانسال است، شناسایی و در اقدامی غافلگیرانه در کرمانشاه دستگیر شد. متهم در بازجویی‌های انجام‌شده به سرقت کارت عابربانک و برداشت وجه از حساب بانکی شاکی اعتراف کرد.

پایان ۸ سال فرار قاچاقچی محکوم به حبس ابد

■ **شرق:** شرور فراری که به جرم حمل و قاچاق مواد مخدر به حبس ابد محکوم شده بود و تحت تعقیب مراجع قضایی و انتظامی قرار داشت، پس از هشت‌سال فرار توسط ماموران پلیس ورامین دستگیر شد. این متهم به نام «فاضل – ب» هشت سال پیش با اخذ مرخصی، از زندان خارج شده و فرار کرده بود تا اینکه سرانجام ماموران موفق شدند با انجام اقدامات اطلاعاتی، مسیرهای تردد متهم را که دارای سابقه دیگری به جرم مشارکت در قتل نیز بود، شناسایی کنند و به صورت نامحسوس تحت کنترل قرار دهند. سرانجام متهم در حالی‌که برای فرار از دست پلیس قصد داشت وارد یک مراسم ختم شود، در میان ازدحام جمعیت مجلس عزاداری دستگیر شد.

مادر، قربانی کینه پسر از ناپدری

شرق: پسر جوان که مادرش را به دلیل درگیری با ناپدری‌اش به قتل رسانده بود وقتی برای دفاع از خود در جایگاه حاضر شد از ۱۷ سال زندگی با ناپدری‌اش و کینه‌ای که از او داشت، گفت. به گزارش خبرنگار ما، این جوان که عباس نام دارد اتهام قتل مادر و زخمی‌کردن ناپدری‌اش را پذیرفت و گفت از کرده‌اش پشیمان است. در ابتدای جلسه محاکمه که دیروز در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد روشن نماینده دادستان در جایگاه ایستاد و گفت: یکم بهمن سال گذشته زنی به نام زیبا در خانه‌اش به قتل رسید. این خبر توسط امدادگران اورژانس به پلیس داده شد و ماموران در محل حاضر شدند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد زیبا توسط پسرش عباس مورد هجوم قرار گرفته و جانش را از دست داده و شوهر این زن هم به شدت زخمی شده است. بررسی‌های بعدی فاش کرد عباس ابتدا با ناپدری‌اش درگیر شد و زیبا برای وساطت جلو رفت و با چاقوی پسرش به قتل رسید. به این ترتیب عباس بازداشت شد و در همان بازجویی‌های اولیه خود به قتل اعتراف و جزییات را هم بیان کرد. روشن ادامه داد: متهم ۲۸ساله از سوی اولیای‌دم مقتول بخشیده شده است اما من به‌عنوان نماینده دادستان تهران درخواست صدور حکم قانونی به لحاظ جنبه عمومی جرم را دارم. همچنین متذکر می‌شوم ناپدری عباس از او به اتهام ضرب و جرح شکایت کرده و در این خصوص هم درخواست صدور حکم قانونی را دارم. سپس ناپدری مقتول در جایگاه حاضر شد. او گفت: می‌خواستم رضایت دهم اما پشیمان شدم و درخواست دیه و مجازات متهم را دارم. من با مادر عباس ۱۷ سال زندگی کردم و او را دوست داشتم. او همسر دوم من بود و گاهی به خانه‌اش می‌رفتم. یک روز قبل از حادثه حدود ساعت ۱۲ شب بود که عباس به خانه آمد و از من پرسید بعدازظهر در خانه چه می‌کردی؟ گفتم کاری نمی‌کردم. من اصلا خانه نبودم سرشب آمدم. او با من دعوا و فحاشی کرد. همسرم سر پسرش داد زد. من می‌خواستم از خانه بیرون بروم که زنم مانع شد. او گفت این کار را نکن فکر کن پسر خودت با تو درگیر شده اگر پسرت با تو دعوا می‌کرد خانه را ترک می‌کردی؟ بعد گریه کرد و من به خاطر همسرم ماندم. صبح ساعت ۶ بود که ساعتم زنگ زد. می‌خواستم برای نماز آماده شوم. زنم را بیدار کردم گفت خیلی خسته‌ام بگذار یک ربع دیگر بخوابم بعد بلند می‌شوم. او باید سر کار می‌رفت. من کنارش دراز کشیده بودم. یکدفعه عباس فریادزنان وارد اتاق ما شد و روی من افتاد و ضربات را پشت سر هم به من زد. دیوانه‌وار مرا می‌زد. زیبا بلند شد و به سمت عباس رفت. فریاد می‌زد این کار را نکن. عباس اصلا متوجه نبود چه می‌کند. او زنم را زد. من داد زدم مادرت دم‌دست توست اما او همین‌طور ضربه می‌زد. دختر زنم در خانه بود. او جیغ کشید و همه را خبر کرد. با اورژانس تماس گرفت. به او گفتم شماره پسرم را بگیر و بگو من زخمی شدم او هم این کار را کرد و بعد هم اورژانس آمد. البته اورژانس دیر آمد و زنم فوت شد. اگر زودتر می‌آمد شاید زیبا زنده بود. این مرد ادامه داد: هر وقت فرزندان زیبا پول خواستند به آنها دادم و هرکاری که از دستم برمی‌آمد برایشان انجام می‌دادم اما عباس این‌طور جوابم را داد. سپس دختر مقتول که شاهد ماجرا بود صحبت کرد. او گفت: من از شوهرم جدا شده بودم و در خانه مادرم زندگی می‌کردم. برادرم به خاطر من به ناپدری‌ام می‌گفت وقتی من هستم نباید به خانه بیاید. آن شب هم به خانه آمد و از من پرسید چه شده؟ من گفتم اتفاقی نیفتاده است. اما با ناپدری‌ام درگیر شد و بعد هم آن اتفاق افتاد. او در مورد اینکه چرا با پدرش زندگی نمی‌کرد، گفت: پدرمان ما را رها کرده بود. او برای ما پدری نکرد. وقتی که بچه بودم رهایمان کرد و رفت. اگر پدر بالای سرمان بود این‌طور نمی‌شد. سپس متهم در جایگاه حاضر شد. او اتهاماتش را قبول کرد و گفت: ۱۷ سال پیش ناپدری‌ام زیر پای مادرم نشست و کاری کرد که پدر و مادرم از هم جدا شوند. ما خیلی بچه بودیم. از همان موقع زندگی ما آشفته بود و همیشه مشکل داشتیم. من پنج کلاس بیشتر درس نخواندم و همیشه با مشکل زندگی کردم. کینه این سال‌ها و کارهایی که ناپدری‌ام کرده بود. در دلم بود تا اینکه آن شب ناپدری‌ام را در خانه‌مان دیدم. به او گفتم برو بیرون. نرفت دعوا کردیم. مادرم از اتاق بیرون آمد و به من فحاشی کرد. تا صبح خوابم نبرد. اعصابم خراب بود. صبح بلند شدم دیوانه شده بودم، نمی‌دانستم چه می‌کنم. چاقویی از آشپزخانه برداشتم و حمله کردم تا ناپدری‌ام را بزنم. نمی‌خواستم مادرم را بکشم او خودش را جلو انداخت و این اتفاق افتاد. در این هنگام قاضی خطاب به متهم گفت: شما مزاحم زندگی مادرتان بودید. همه شما بزرگ بودید، می‌توانستید از آن خانه بروید یا در خانه پدرتان زندگی کنید چرا این کار را نکردید؟ متهم جواب داد: خیلی دلم می‌خواهد حرف بزنم اما نمی‌دانم چرا زبانم بند آمده و نمی‌توانم آنچه را بر من گذشته است، بگویم. مادرم خیلی به من اصرار می‌کرد در خانه‌اش بمانم. هر وقت به خانه پدرم می‌رفتم زنگ می‌زد که برگردم. به هر حال از کاری که کرده‌ام پشیمان هستم. در این هنگام یکی از خواهران متهم گفت: ناپدری‌ام زندگی ما را نابود کرد. یک سال قبل از جدایی پدر و مادرم وقتی ۱۳ساله بودم ازدواج کردم. شوهر من برادر ناپدری‌ام بود. وقتی مادرم از پدرم جدا شد و با برادرشوهر من ازدواج کرد سرکوفت‌های خانواده‌ام شروع شد. شوهرم به من می‌گفت مادرت خیانت کرده و تو هم این کار را می‌کنی. کارهایی را که شوهر مادرم می‌کرد به حساب مادرم می‌گذاشتند و به من سرکوفت می‌زدند و کار به جایی رسید که مجبور شدم از شوهرم جدا شوم. ناپدری‌ام زن دیگری داشت. او یک شب به خانه مادرم می‌آمد و یک شب در خانه زن اولش می‌ماند. هر وقت زن اولش نبود به خانه مادرم می‌آمد و آنجا می‌ماند. او در این مدت هیچ پولی به مادرم نداد. مادرم پرستار بود و خودش کار می‌کرد و به ناپدری‌ام هم پول می‌داد، خانه هم برای خودش بود. او ادامه داد: بارها خواستیم خانه مادرمان را ترک کنیم اما وقتی می‌رفتم بعد از چند روز مادرم زنگ می‌زد و می‌گفت برگردید. شوهرم باز من را رها کرده و با زن اولش به مسافرت رفته است. برادرم هم نسبت به ناپدری‌ام شک داشت و می‌گفت وقتی خواهرانم در خانه هستند تو باید به خانه زن اولت بروی. در ادامه جلسه دادگاه وکیل متهم در جایگاه حاضر شد. او گفت: موکل من تحت‌تاثیر رفتارهای ناپدری و مادرش دست به این قتل زده و البته تاکید می‌کنم قصدی در کشتن مادرش نداشته و قتل او اتفاقی بوده است. هرچند ناپدری موکلم کار غیرشرعی نکرده اما کارش خلاف عرف بوده و این موضوع خانواده موکلم را آزار می‌داد. بنا بر این گزارش در پایان هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

عکس: شرق

قتل مادر برای سرقت جواهر

شرق: مردی برای سرقت جواهرات مادرش او را با دستان خود خفه کرد. این متهم در تحقیقات به داشتن اختلافات قبلی با مادرش اقرار کرد. کارآگاهان پلیس آگاهی تبریز چند روز قبل از کشف جنازه زنی در یک خیابان مطلع شدند و وقتی به آنجا رفتند، مشاهده کردند جسد زنی میانسال کنار دیوار مشرف به یک زمین زراعی رها شده است. بررسی جسد فاش کرد طلا و جواهرات این زن به زور از دستش خارج شده است. ماموران همچنین با توجه به آثار کبودی دور گردن این زن فهمیدند او به احتمال زیاد خفه شده است. کارآگاهان همچنین با توجه به خراش‌هایی که روی پیکر مقتول بود به این نتیجه رسیدند که وی پیش از مرگ با قاتل یا قاتلان درگیر شده است. نکته‌ای که در این بین جلب توجه می‌کرد، این بود که زن میانسال لباس‌های بیرون به تن داشت اما کفش به پایش نبود و این موضوع نشان می‌داد وی با میل خودش از خانه خارج شده اما در مکان مسقفی غیر از منزلش به قتل رسیده است. از آنجا که مقتول هیچ مدرک شناسایی همراه نداشت، جنازه او تحت عنوان مجهول‌الهویه به پزشکی قانونی انتقال یافت و سپس کارآگاهان با بررسی پرونده افراد مفقودشده دریافتند این زن شباهت زیادی به زنی دارد که روز قبل گم شدن او توسط شوهرش اعلام شده بود. به این ترتیب هویت قربانی ۴۸ساله به نام ساحل فاش شد و کارآگاهان برای اینکه ردی از قاتل یا قاتلان به دست بیاورند به تحقیق از بستگان و نزدیکان وی پرداختند. در جمع این افراد پسر ۲۶ ساله مقتول مورد ظن قرار گرفت، چرا که او فردی سابقه‌دار بود و به گفته اقوام از پیش با مادرش اختلاف داشت، ضمن اینکه وی در بازجویی‌ها دچار تناقض‌گویی شد. ماموران برای اطمینان از قاتل بودن این جوان که یحیی نام دارد، وی را به پزشکی‌قانونی معرفی کردند و با تن‌پیمایی مظنون، آثار خراش روی بدنش مشاهده شد. این موضوع فرضیه دست داشتن وی در جنایت را قوت بخشید اما متهم ادعا کرد این خراش‌ها به خاطر نزاعی است که چند روز قبل با فردی در یک قهوه‌خانه داشت. تحقیق درباره ادعای متهم درباره درگیری در قهوه‌خانه فاش کرد و دروغ می‌گوید. با این وجود یحیی همچنان منکر قتل مادرش بود تا اینکه افسران جنایی پی بردند این جوان از چند روز قبل خانه‌ای را به صورت مخفیانه در نزدیکی محل رها شدن جسد اجاره کرده است. وقتی همسایگان یحیی تحت بازجویی قرار گرفتند، گفتند شب قبل از پیدا شدن جسد، یحیی را در حالی که بسیار مضطرب بود در حین ورود به خانه مشاهده کرده‌اند. یکی از همسایه‌ها گفت: «یحیی آن شب تا صبح نخوابید و مرتب سروصدا تولید می‌کرد، طوری که کاملا معلوم بود اعصابش به‌هم ریخته است.» مجموعه این اطلاعات باعث شد برای پلیس مسجل شود یحیی عامل این جنایت است. اما او حاضر نبود اتهامش را بپذیرد تا اینکه بعد از ساعت‌ها بازجویی بالاخره جرمش را گردن گرفت و گفت: «مادرم از پدرم طلاق گرفته و با مردی دیگر ازدواج موقت کرده بود، به همین علت از دست او ناراحت بودم، البته ما اختلافات مالی هم با هم داشتیم و کشمکش‌های ما به حدی بود که مادرم مرا به خانه‌اش راه نمی‌داد. بالاخره نقشه قتل او را کشیدم و روز حادثه به وی اطلاع دادم خانه‌ای را اجاره کرده‌ام. او را به بهانه دیدن خانه به منزلم کشاندم و بعد از اینکه دیدم مقدار زیادی طلا و جواهر به همراه دارد، ضربه‌ای به سرش زدم. مادرم در این لحظه به زمین افتاد و بعد من با دستانم او را خفه کردم، جواهراتش را برداشتم و جسد را از خانه بیرون بردم و در خیابان رها کردم.» این متهم بعد از اعتراف به قتل به بازپرس جنایی تبریز معرفی شد. در همین حال سرهنگ مداحی- رییس پلیس آگاهی استان آذربایجان شرقی- در رابطه با این پرونده گفت: «قاتل، خانواده‌ای آشفته داشت و بعد از مهاجرت به تبریز با چند زن ازدواج کرده بود و علت اصلی قتل مادر نیز سرقت طلاهای مقتول تشخیص داده شد.»

زن و مرد متهم به قتل، یکدیگر را قاتل معرفی کردند

چه کسی خریدار ماشین را کشت

شرق: زن و مردی که با همدستی هم، مردی را به قتل رسانده و جسدش را در بیابان رها کرده بودند در جلسه محاکمه یکدیگر را به ارتکاب قتل متهم کردند. به گزارش خبرنگار ما، این زن و مرد به بهانه فروش خودرو به مردی با او قرار گذاشتند و پس از کشاندن وی به جاده شهریار او را با انگیزه سرقت پول‌هایش با اسلحه به قتل رساندند. در ابتدای جلسه محاکمه، فلاح‌زاده نماینده دادستان در جایگاه حاضر شد و در مورد کیفرخواست خطاب به قضات شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران گفت: زنی ۱۹خرداد سال ۸۳ به ماموران پلیس خبر داد شوهرش به نام رضا گم شده‌است. این زن گفت شوهرش برای خرید یک ماشین از خانه خارج شده و مبلغ پنج میلیون تومان هم پول همراهش بود. این زن شماره چک‌پول‌هایی را که شوهرش همراه خود برده‌بود در اختیار ماموران قرار داد. در حالی‌که تحقیقات در این خصوص آغاز شده‌بود ماموران در جاده شهریار جسد مردی را پیدا کردند که مشخصات ظاهری‌اش با آنچه خانواده رضا در مورد او گفته بودند، مطابقت داشت. بنابراین همسر رضا برای شناسایی جسد در پزشکی قانونی حاضر شد و تایید کرد جنازه متعلق به شوهرش است. سپس تحقیقات وارد فاز جدیدی شد. با توجه به اینکه چک‌پول‌ها تنها سرنخ موجود بود ماموران از بانک‌ها خواستند این شماره‌ها را ردیابی کنند. چند ماه بعد از طریق بانک متوجه شدند فردی چند قطعه از چک‌پول‌ها را به بانک آورده است. وقتی پلیس این مرد را شناسایی کرد، او در اظهاراتش گفت چک‌ها را از مردی به‌نام علی‌اکبر گرفته است. وقتی علی‌اکبر شناسایی و بازداشت شد، اعتراف کرد این چک‌پول‌ها را سرقت کرده است، به این ترتیب قتل افشا شد. نماینده دادستان تهران ادامه‌داد: مشخص شد علی‌اکبر با زنی جوان به نام اکرم دست به این قتل زده‌است. علی‌اکبر که در ابتدا خودش را نامزد اکرم معرفی کرد مدعی شد رضا مزاحم نامزدش شده‌بود و به همین دلیل هم او را کشت اما بعد از چندین جلسه بازجویی مشخص شد که این مرد برای سرقت پول‌های رضا او را به قتل رسانده است. در ادامه جلسه دادگاه اولیای‌دم مقتول در جایگاه حاضر شدند و برای قاتل درخواست صدور حکم قصاص کردند. سپس اکرم متهم ردیف دوم در جایگاه حاضر و به دستور قاضی علی‌اکبر از دادگاه بیرون برده‌شد. زن جوان در مورد اتهامش گفت: من در قتل هیچ‌نقشی نداشتم البته قبول دارم که با علی‌اکبر رابطه داشتم اما معاونت در قتل را قبول ندارم. در دبیرستان درس می‌خواندم که با پسری جوان به نام آرش آشنا شدم. با او رابطه داشتم و به من قول داده‌بود با من ازدواج کند اما بعد از اینکه با من رابطه برقرار کرد، ترکم کرد و بعد از چند ماه هم فوت شد. من این موضوع را از همه مخفی کرده‌بودم و به خواستگارهایم جواب رد می‌دادم. تا اینکه در یک دفتر کامپیوتری با علی‌اکبر آشنا شدم او از من خواست به عنوان حسابدار برایش کار کنم و بعد هم به من ابراز علاقه کرد اتفاقی را که برایم افتاده بود تعریف کردم و او هم قبول کرد و گفت رازی که داری پیش خودم نگه می‌دارم. متهم ادامه‌داد: «روز حادثه قرار بود علی‌اکبر ماشینش را بفروشد، می‌گفت می‌خواهد خودرو بهتری بخرد. با هم برای فروش ماشین رفتیم و در آنجا با رضا آشنا شدیم و قرار معامله را گذاشتیم بعد روز حادثه دوباره با هم رفتیم تا ماشین را بفروشیم. علی‌اکبر گفت مدارک در خانه‌اش در شهریار است رضا با ما آمد تا مدارک را بگیرد، او پشت فرمان نشست. وقتی به شهریار رسیدیم حدود ساعت ۱۱ شب بود. علی‌اکبر سلاح را بیرون آورد به سر رضا شلیک کرد بعد هم جسدش را به بیابان برد و آنجا رها کرد. من هیچ‌نقشی در این قتل نداشتم فقط پول‌هایی را که علی‌اکبر از مقتول سرقت کرد به من داد و مقداری هم برایم طلا خرید بعد با هم به دامغان رفتیم و مدتی در آنجا با هم زندگی کردیم اما بالاخره دستگیر شدیم.» اکرم در حالی قتل را انکار کرد که چون به گفته او مقتول پشت فرمان و علی‌اکبر کنارش نشسته بود باید گلوله‌ای از طرف راست به سرش می‌خورد در حالی که تیر از سمت چپ به سر رضا اصابت کرده بود. اکرم در برابر این پرسش قضات جوابی نداد. در ادامه علی‌اکبر در جایگاه حاضر شد، او گفت: من اتهام قتل را قبول ندارم چرا که این کار را اکرم کرد. وقتی در ماشین بودیم من با رضا درگیر شدم رضا یک ضربه زد و سلاح از دست من افتاد و به عقب پرت شد اکرم آن را برداشت و از سمت چپ به رضا شلیک کرد بعد من جسد را بیرون بردم و رها کردم و پول‌های رضا را سرقت کردم. بنا بر این گزارش بعد از پایان جلسه دادگاه هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

عکس: شرق

پنج قاره

افزایش تلفات ریزش ساختمان در برزیل

فرانس‌پرس: مقامات محلی شهر «ریودوژانیرو» برزیل از افزایش تلفات حادثه ریزش ساختمان ۲۰طبقه به ۱۵ نفر خبر دادند. با گذشت دو روز از ریزش ساختمان ۲۰طبقه و دو ساختمان ۱۰ و چهار طبقه مجاور آن امیدها برای زنده پیداکردن ۱۲ مفقودی این حادثه کمتر شده است. نیروهای امداد با بیان اینکه احتمال کمی برای زنده بیرون‌آوردن ساکنان از میان آوار وجود دارد، اعلام کردند: جسد بیشتر کشته‌شدگان به شدت آسیب دیده است. بیشتر مفقودان این حادثه در هنگام وقوع ریزش ساختمان در طبقه ششم ساختمان ۲۰طبقه بودند که محل برگزاری کلاس دوره‌ای رایانه بود. پلیس ریودوژانیرو با رد احتمال وقوع انفجار اعلام کردند که این سه ساختمان به دلایل نامشخص و به طور همزمان ریزش کرده است.

جسد بی‌سر زیر صندلی قطار

ایسنا: ماموران ایستگاه راه‌آهن در هند از پیداکردن جسدی بی‌سر در زیر صندلی قطاری مسافری خبر دادند. بنا بر اعلام پلیس محلی شهر «اجمیر» مسافران یکی از قطارهای این شهر روز جمعه پس از کشف کیفی سیاه از دیدن محتویات آن شوکه شدند. ماموران این ایستگاه پس از دریافت گزارشی مردمی، مبنی بر وجود یک جسد در قطار، کیف سیاه‌رنگی را پیدا کردند که داخل آن یک جسد بی‌سر بود. پلیس در توضیح چگونگی یافتن این جسد گفت: یکی از مسافران وقتی این کیف را زیر یکی از صندلی‌ها پیدا کرد، به دنبال صاحب آن گشت اما نتیجه‌ای نگرفت و چون احتمال می‌داد نشانی داخل کیف باشد، در آن را باز و با ناباوری جسدی داخل آن پیدا کرد. تحقیقات اولیه پلیس نشان می‌دهد این جسد متعلق به فردی ۲۵ تا ۳۰ ساله است.

مرگ سارق فراری

آسوشیتدپرس: جسد سارق آمریکایی که به اتهام قتل یک طلافروش و سرقت از جواهری او تحت تعقیب پلیس بود در اسپانیا پیدا شد. این سارق پس از سرقت ۳۰۰ هزار دلار از طلافروشی و کشتن صاحب آن پا به فرار گذاشته بود. «رابرت لونی» ۴۱ساله چند روز پیش از وقوع این سرقت مسلحانه با مالک این جواهرفروشی تماس گرفته و به او درخواست خرید چند قطعه الماس به قیمت ۴۵ هزار تا ۷۵ هزار دلار کرده بود. پلیس اسپانیا با بیان اینکه در حال بررسی علت مرگ این متهم است، از ارایه جزییات بیشتر خودداری کرد.

دریچه

عکس: آتش‌نشانی

انفجار در کارگاه

شرق: انفجار و آتش‌سوزی که شامگاه جمعه در کارگاه شابلون‌زنی در خیابان امام خمینی، خیابان شیخ هادی رخ داد یکی از کارگران کارگاه را با آسیب‌دیدگی روبه‌رو کرد و باعث وارد آوردن خسارات مالی به ساختمان‌های همجوار و چند دستگاه خودرو شد. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی تهران به دلیل اینکه در این‌گونه کارگاه‌ها از رنگ و حلال‌های گوناگون از جمله تینر و بنزین استفاده می‌کنند احتمال دارد بخار این مواد باعث انفجار و آتش‌سوزی شده باشد.

نگاه

ملزومات پیشگیری از جرم

مریم رامشت
روان‌شناس و استاد دانشگاه

■ پیشگیری از جرم یکی از مقولات مهمی است که در هر جامعه‌ای باید به آن توجهی ویژه داشت اما متاسفانه مساله این است که معمولا در بحث جرم و جنایت صورت‌مساله پاک می‌شود و مسوولان بیشتر دنبال این هستند که مجرم مشخص و مجازات سریع انجام شود تا احساسات فردی و اجتماعی کنترل شود و هیجانات کاهش یابد حال آنکه این کار، مسکن موقت است. برای پیشگیری از جرم در وهله اول پیدا کردن ریشه جرم لازم است چون صرف شناسایی و مجازات مجرم به هیچ‌وجه کافی نیست. برای رسیدن به این هدف باید ساختار شخصیتی مجرم، خانواده او، دوران کودکی و آسیب‌هایی که وی دیده، محل زندگی و محیط آموزش و رشدش را بررسی کنیم تا ارزیابی درستی از شرایط وقوع جرم داشته باشیم زیرا همه این عوامل می‌تواند در شرایط فراهم شدن جرم موثر باشد. با ارزیابی عوامل بروز جرم، اگر این تشخیص به‌موقع باشد می‌توان از تکرار جرایم پیشگیری کرد. بررسی زندگی قاتلان، بزهکاران اجتماعی و جنسی نشان می‌دهد ارتباطی که بین گذشته مجرم و نوع جرم وجود دارد، معنادار است و به عنوان مثال فردی که مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته اگر درمان نشود و مورد حمایت و توجه قرار نگیرد به احتمال زیاد می‌تواند به یک بزهکار جنسی تبدیل شود. چنین فرد آسیب‌دیده‌ای در بزرگسالی به احتمال زیاد رفتار پرخطر نشان می‌دهد و به دیگران آسیب می‌زند بنابراین صرف مجازات مجرم به جلوگیری از جرم کمک نمی‌کند و فرد آسیب‌دیده می‌تواند یک مجرم بالقوه باشد که همان بزه را تکرار می‌کند. در نمونه دیگر، قتل و جنایت در خانواده‌های به هم ریخته بیشتر دیده می‌شود چون گذشته این افراد زمینه‌ساز بزه است، علاوه بر این افرادی که کودکی سختی داشته‌اند و تنبیه شدید، تحقیر و توهین را در این دوران تجربه کرده‌اند در بزرگسالی ممکن است همین رفتار را بروز دهند و اگر شرایط جرم برای آنها فراهم باشد به احتمال زیاد مجرمان آینده خواهند بود. بنابراین لازم است خانواده‌ها، محیط و جوانان را بهتر بشناسیم تا با آموزش اشخاص و شناسایی افراد در معرض خطر با اقدامات درمانی، حمایتی و پیشگیرانه از وقوع جرم جلوگیری شود. اما آیا مجازات مجرم از وقوع جرم جلوگیری می‌کند؟ نمی‌توان در پاسخ به این سوال جواب منفی داد، اما مجازات، درمان نیست و مسکن موقت است صرف مجازات مجرمان به افراد در معرض خطر کمک نمی‌کند و به هیچ‌وجه به تنهایی نمی‌تواند موثر باشد و همان‌طور که گفته شد قطعا شرایط جرم و ویژگی‌های شخصی، خانوادگی و محیطی در این کار موثر است.

حادثه‌ها

دستگیری سارق حرفه‌ای پس از تعقیب و گریز یک‌ساعته

■ **شرق:** ماموران پلیس ساوجبلاغ طی تعقیب و گریز یک‌ساعته، موفق به توقیف خودرو سرقتی و دستگیری سارق شدند. ماموران حین گشت‌زنی به یک خودرو پراید مشکوک شدند و با استعلام شماره پلاک خودرو فهمیدند این ماشین از مهرشهر کرج به سرقت رفته است. سرهنگ کربلایی‌زاده ادامه داد: با توجه به سرقتی بودن خودرو ماموران بلافاصله با دادن دستور ایست سعی کردند پراید را متوقف کنند اما سرنشین آن بدون توجه به دستور ایست ماموران اقدام به فرار کرد. راننده خودرو در حین تعقیب ماموران اقدام به پرتاپ کردن مقدار زیادی تراول‌چک و وجه نقد از خودرو کرد و با سرعت بیشتری به فرار ادامه داد که در این هنگام ماموران گشت اقدام به شلیک سه تیر هوایی کردند و سپس لاستیک عقب سمت راست خودرو را هدف قرار دادند. راننده با وجود پنچر شدن لاستیک خودرو، باز هم اقدام به فرار کرد اما در نهایت پراید واژگون شد و راننده آن‌که همچنان قصد فرار از دست ماموران را داشت، دستگیر و به همراه خودرو سرقتی به کلانتری منتقل شد. متهم در بازجویی‌های ماموران به جرم خود مبنی بر سرقت خودرو و حمل و نگهداری مواد مخدر اعتراف کرد.

قتل با سلاح ساچمه‌زنی

■ **پلیس‌خبر:** مردی که با استفاده از سلاح ساچمه‌زنی مرتکب قتل شده بود، دستگیر شد. سرهنگ «دولتی»، جانشین انتظامی استان کرمانشاه در این‌باره توضیح داد: در پی اعلام گزارشی توسط مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع قتل در جاده «کمربندی» شهر کرمانشاه، ماموران در محل حادثه حاضر شدند و مشاهده کردند مردی ۵۰ساله در حالی‌که آثار ورود تعداد زیادی ساچمه ناشی از شلیک سلاح ساچمه‌زنی در ناحیه سرش مشهود است، به قتل رسیده است. وی گفت: ماموران پس از یک‌سری تحقیقات به فردی ۳۰ساله مظنون شدند و او را دستگیر کردند. جانشین انتظامی استان کرمانشاه تصریح کرد: متهم در بازجویی‌ها به قتل مقتول اقرار کرد.